

فرهنگ و هنر

زوال در فرهنگ و ادبیات

کانات محمد دهقانی می‌گوید: جریانِی که در نشر و پژوهش شکل گرفته رو به زوال است و کارهای درخشان معدودی منتشر می‌شود.این نویسنده و منتقد ادبی درباره ارزیابی‌اش از ادبیات در سالی که گذشت، اظهار کرد: نمی‌توانم بگویم سنال گذشته نسبت به سال‌های قبل بهتر بوده یا بدتر؛ در حوره نشر هم کتاب‌های خوب منتشر شده و هم کتاب‌ها و ترجمه‌های بد که تعدادشان بسیار زیاد بود. همچنین نوشته‌های بیپوده و مقالات چرندی در مجلات دانشگاهی منتشر شدد که برخی از آن‌ها آدم را از شدت عصبانیت به مرز جنون می‌کشاند. این کار فقط برای این است‌که حضرات ارتقا بگیرند و پول مملکت را به باد بدهند. او درباره این‌که چگونه می‌توان جلو این جریان را گرفت، گفت: تا زمانی که این اوضاع و سیاست‌ها هست، این جریان همین‌طور ادامه پیدا می‌کند و زوال در ادبیات و فرهنگ



کارگردان نمایش «آمادئوس»:

کسی که موسیقی –نمایش اجرا می‌کند، دنبال پول کلان است

این آهنگساز رفته است، خاطر نشان کرد: در دوران نوجوانی موسیقی کلاسیک برایم جالب بود و همیشه موسیقی آهنگسازانی چون باخ، تیهوون و موتزارت را دنبال کرده‌ام و هیچ‌وقت موسیقی پاپ برایم جذاب نبوده و دانشی هم در این نوع موسیقی نداشتم اما همیشه کنسرت‌های موسیقی کلاسیک را در ایران دنبال کرده و به دیدنش می‌رفتم.او با اشاره به چرایی انتخاب موتزارت از بین موسیقی‌دانان کلاسیک و رونتیک گفت: علاوه بر اینکه نمایشنامه‌ای توسط

را خواهیم داشت. این وضعی که در بازار ارز در این روزها می‌بینید در همه چیز وجود دارد و در حوزه فرهنگ بدتر است. تا زمانی که اعتبارات و دلار را به بخش‌های خاصی که بی‌فایده است، به عنوان فعالیت فرهنگی سرازیر و فرهنگ کشور را نابود می‌کنند هیچ امیدی نمی‌بینم و بسیار بسیار ناامیدم. دهقانی درباره این‌که اتفاقاتی مانند صف کشیدن برای خرید کتاب را می‌توان نوعی تحرق در جامعه ادبی دانست یا خیر، گفت: سلیقه جامعه ایران بسیار بسیار پایین آمده است؛ نمونه‌اش «ملت عشق» الیف شافاک که چندین ترجمه از آن وجود دارد. همین‌طور که مخاطب سربال‌های ترک شبکه‌های ماهواره‌ای بیشتر از مخاطب سربال‌های تلویزیون ایران است، در کتاب هم همین‌طور است. صف کشیدن برای کتاب یا استقبال از کتاب خاصی‌شان‌دهنده باسواد شدن جامعه و پیشرفت ادبی نیست. کتاب ترامپ هم در آمریکا

کرم زندگی نابغه‌ای که از ۵سالگی در قصر و دربار موزیک می‌نواخته برای مخاطب جذاب است. فکر می‌کنم آن شوریدگی، شیدایی و شیطنتی که در کار و زندگی موتزارت می‌بینیم قابلیت‌های به نمایش درآمدن و روی صحنه رفتن را دارد.مولانیا با اشاره به شباهت زندگی موتزارت با یک هنرمند ایرانی گفت: در این نمایشنامه، هر آنچه موتزارت می‌بینید و هر بلایی و هر اتفاقی که سسرش می‌آید مانند آن چیزی است که برای هنرمند ایرانی رخ می‌دهد؛ چه برخوردش با مردم و چه برخورد مسئول و مدیری با یک هنرمند. همه اینها را در این نمایش هم می‌بینیم. او ادامه داد: پیش از اجرا با مینو جانمحمدی مترجم و بازنویس نمایشنامه پیتر شفر، مدام در ارتباط بودم و به او گفتم متن باید طوری باشد که هنرمند ایرانی مخاطب این نمایش لحظه به لحظه احساس کند که این داستان زندگی خودش است. اینکه یک جاهایی مردم اوی هنرمند را نمی‌فهمند، در زندگی شخصی‌اش دچار مشکل می‌شود یا جلوی کارش را می‌گیرند و فکر می‌کنم نمایش توانسته‌این شباهت را رقم بزند. به‌طوری‌که وقتی آقای شهرام ناظری نمایش را دید به من گفت این نمایش دقیقا زندگی یک هنرمند است. مهم نیست این شخصیت موتزارت است، بلکه زندگی هنرمندی است که با جالش، دغدغه، مشکلات، خوشحالی‌ها و شادی‌ها طرف است. یعنی در لحظه‌ای که چیزی آفریده می‌شد، شاد بود و در لحظه‌ای که ناپدید گرفته شده و کسی دیگر به جای او انتخاب می‌شد، می‌دیدم که چقدر می‌تواند بشکند و ناراحت شود. مابه‌ازای اینها در تمام دنیا هم هست نه فقط در ایران. چون اصولا موسیقی خودش یک زبان است و ما بدون اینکه نیاز به دانستن زبانی داشته باشیم می‌توانیم از شنیدن آن لذت ببریم. در این نمایش هم همین‌طور است و من تلاش کردم زندگی یک هنرمند را نشان دهم و به نظر من این اتفاق افتاده است.کارگردان نمایش «آمادئوس» با اشاره به نگاه دستگاه حکومت و نهاد قدرت به موسیقی‌دان و هنرمند گفت: قطعا این باید نبایدها، فرمایشی کردن هنر و ممیزی‌هایی که در زندگی موتزارت هم دیده می‌شود همیشه وجود داشته. چون متأسفانه همیشه افرادی وجود داشته‌اند تا کار هنرمند را در چهارچوب از پیش تعیین شده‌ای قرار دهند اینجا هم این موضوع را می‌بینیم که دربار

کانات جواد مولانیا که نمایش «آمادئوس» را

دربراره زندگی موتزارت روی صحنه برسه، درباره موسیقی-نمایش‌هایی که در ایران اجرا می‌شود، گفت: کسی که برای اجرای چنین عبارتی را استفاده می‌کند می‌خواهد بفروشد و پول کلانی به دست بیاورد که اشکالی هم ندارد اما من دنبال نفع اقتصادی نیستم. به گزار کانات به نقل از ایلنا، جواد مولانیا با اشاره به علاقه‌اش بسه موتزارت به عنوان یکی از دلایلی که سراغ اجرای نمایشی درباره

خبر

کانات علیرضا رئیسبان با ابراز خوشحالی از استقبال مخاطبان از فیلم‌های نوروز ۹۷ معتقد است: در شرایط امروز جامعه، اینکه سینمای ایران توانسته رکورد سال‌های قبل و سال گذشته را به لحاظ جذب مخاطب و فروش جایجا کند، یک پدیده قابل تحلیل هم از نظر جامعه‌شناسی و هم از نظر مخاطب شناسی است. به گزارش کانات به نقل از ایسنا، این کارگردان سینمای ایران و عضو شورای راهبردی تحقیق و توسعه سینمای ایران در تحلیل شرایط اکران نوروز ۹۷ گفت: به اعتقاد من در شرایطی که در جامعه ما می‌بینیم که خیلی از فعالیت‌های اقتصادی دچار رکود جدی هست و اوضاع معیشتی بخشی از مردم مناسب نیست و اشکالات زیادی در موضوعات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وجود دارد. اینکه سینمای ایران توانسته رکورد سال‌های قبل و سال گذشته را به لحاظ جذب مخاطب و فروش جایجا کند، یک پدیده قابل تحلیل هم از نظر جامعه‌شناسی و هم از نظر مخاطب شناسی است.

کارگردان فیلم سینمایی «چهل سالگی» تصریح کرد:ا منظر جامعه‌شناسی رفتاری، باید بررسی کرد که چگونه این اتفاق رخ می‌دهد.در حال حاضر جامعه ما در شرایطی است که تنها دو پدیده سینما و فوتبال اقبال عمومی را به همراه دارند. بقیه مسایل و حتی تلویزیون(که اعلام کردند ۸۰درصد رضایت مخاطب را به همراه داشته اما اعلام نشد که چند درصد مخاطب داشته که ۸۰درصد رضایتمندی بوجود آمده است) اقبال عمومی بالایی ندارند، با اینکه تلویزیون انحصاری است و هیچ رقیب بخش خصوصی ندارد. اما سینما اینگونه نیست و هم در حال تهدید از سوی بازار قاچاق فیلم‌های خارجی و ایرانی است و هم کانال‌های ماهواره‌ای زیاد یک رقیب محسوب می‌شوند و در کنار آن همچنان با کمبود سالن و فضای نمایشی مواجه است. بنابراین در این شرایط اتفاق نوروز ۹۷ را باید کامل بررسی کرد. وی با انتقاد از برخی تحلیل‌های غلط در بررسی شرایط کنونی خاطر نشان کرد:البته من دیدم که برخی از افراد به غلط افزایش قیمت بلیت را دلیل این استقبال و افزایش میزان مخاطب و فروش ارزیابی کرده‌اند. اما من معتقدم که طبق آمار فقط افزایش قیمت بلیت موثر نبوده است. به این دلیل که سال ۲۰۱۷ در کشور آمریکا قیمت بلیت سینما حدود ۱۰درصد افزایش پیدا کرد اما ۱۲درصد شاهد کاهش مخاطب بودیم و اگر فیلم‌های

کانات ایرج راد با اشاره به اینکه هرکسی درباره امور مالی خانه تئاتر مسئله دارد به مراجع ذیربط شکایت کند، تاکید کرد: خانه تئاتر متعلق به من نیست و هر وقت خواستند مجوز آن را می‌دهم تا فرد دیگری را به عنوان مدیرمسئول انتخاب کنند. به گزارش کانات به نقل از ایسنا، مدیرعامل پیشین خانه تئاتر درباره سند ساختمان جدید خانه تئاتر که ۲۵ فروردین ماه افتتاح شد و نیز بحث‌هایی که پیشش از این درباره مالکیت اینن مجموعه به نام خودش مطرح بوده، بیان کرد: بسند این ساختمان نه شریک دارم و نه سهامدار. به اسم هیچ کس نیست جز خانه تئاتر. هر اجری هم که خریداری شده به اسم تئاتری‌ها بوده است. راد درباره موضوع تشکیلاتی خانه تئاتر گفت: هیچ کدام از خریداریی که خریداری شده به اسم من نیست بلکه به اسم خانه

دربراره زندگی موتزارت روی صحنه برسه، درباره موسیقی-نمایش‌هایی که در ایران اجرا می‌شود، گفت: کسی که برای اجرای چنین عبارتی را استفاده می‌کند می‌خواهد بفروشد و پول کلانی به دست بیاورد که اشکالی هم ندارد اما من دنبال نفع اقتصادی نیستم. به گزار کانات به نقل از ایلنا، جواد مولانیا با اشاره به علاقه‌اش بسه موتزارت به عنوان یکی از دلایلی که سراغ اجرای نمایشی درباره

دوشنبه | ۲۷ فروردین ۱۳۹۷

۲۹ رجب ۱۴۳۹ | ۱۶ آوریل ۲۰۱۸ | شماره ۳۱۵۵

کانات

پیش‌فروش می‌شود و گیر نمی‌آید؛ آیا این به معنای این است که ترامپ متفکر بزرگی است؟ به نظر من صف بستن برای کتاب بیشتر مُد است.این پژوهشگر درباره جایزه‌های ادبی نیز بیان کرد: اگر دولت در جایزه‌ها دخالت نکند و جایزه‌ها از رانت دولتی برخوردار نباشد، می‌تواند مؤثر باشد، اما هرچا پای دولت در میان است، تأثیرگذار نیست، زیرا کتاب‌ها به درستی ارزیابی نمی‌شوند و سلیقه‌های خاصی در میان می‌آید. ممیزی و محدودیت‌هایی هم که وجود دارد، داوری در دست خودوش می‌کند. اگر جایزه‌ها حالت مستقل داشته باشند، که کمتر دارند، می‌توانند کمی موثر باشند. او کتاب‌های «تصحیح مثنوی معنوی» محمدعلی موحد، رمان «خاما» از یوسف علیخانی و ترجمه‌های عبدالله کوثری و رضا رضایی را برای مطالعه پیشنهاد کرد و گفت: نسبت به انبوهی از کارهای ناچور که منتشر می‌شود کتاب‌های خوب به نظر بسیار کم است.

چگونه می‌خواهد موتزارت را بسه راهی که خودش دوست دارد بکشداند و می‌خواهد او را همسان دیگر هنرمندان کند.مولانیا ادامه داد: به خاطر همین به این مساله پرداختم چون فکر می‌کردم هنرمند ایرانی هم با این مسائل درگیر است. این اتفاقی که می‌افتد در تمام دنیا هست؛ در تمام دنیا ناظرانی وجود دارند که می‌خواهند بر کار هنرمند نظارت و نظر داشته باشند و به او بگویند چگونه ببیندیش، فکر و اجرا کن. حالا این نظارت و سانسور در بعضی کشورها بیشتر و در بعضی کشورها کمتر است. این مساله در زندگی موتزارت هم وجود دارد. کسانی که شاید شما آنها را ببینید اما نظارت می‌کنند و می‌گویند چگونه فکر کند اسما او برنی‌تاید و کار خودش را می‌کند و به همین خاطر هم هست که ماندگار می‌شود. قرار نیست انطور شود که دیگران می‌گویند یا همسان دیگران شود.او با اشاره به جملاتی از این نمایش، خاطر نشان کرد: موتزارت در چایی می‌گوید «تقصیر من چیه که در یک زمانه اشتباه به دنیا آمدم؟» و در جمله‌ای دیگر در جواب سالیبری که از او پرسد تو چرا انطوری که مردم می‌خواهند آهنگ نمی‌سازی می‌گوید من جور دیگری نمی‌توانم آهنگ بسازم من انطور که خودم بلدم می‌توانم بسازم نه آنچور که دیگران می‌خواهند. این جمله در متن اصلی نیست اما ما در نمایش آوردم چون معتقدم یک هنرمند واقعی و خالص با آن در جدل و جنگ است و اینجا هم مثالش را می‌بینید. معتقدم من در «آمادئوس» زندگی موتزارت را روی صحنه نبردم؛ زندگی یک هنرمند را اجرائی کردم. هنرمندی که می‌تواند در تمام دنیا وجود داشته باشد و با این مشکلات دست و پنجه نرم کند.مولانیا در پاسخ به این سوال که آیا قصد داشت رهگذر این نمایش مخاطب را هم با موسیقی آشنا کند؟ گفت: این چیزی بود که نا بویسنده‌ام تصمیم داشتمی انجام دهم و تاکید داشتم که تماشاگری که اصلا موتزارت را نمی‌شناسند و چیزی از او شنیده بعد از این نمایش دست‌کم ۱۰ قطعه از او شنیده باشند که بفهمد مثلا این آهنگ آشنایی که در یک برنامه تلویزیونی می‌شنیده متعلق به موتزارت است. می‌خواستم آگاهی و اطلاعاتی به آنچه که مخاطب می‌داند افزون کنم. خیلی تلاش کردم این اتفاق مخصوصا در مورد موسیقی‌های معروف موتزارت بیفتد و فکر می‌کنم موفق شده‌ است.او همچنین



اگر آنهایی که از عبارات موسیقی – نامش استفاده می‌کنند منظور نشان ابراست؛ باید بگویم اپرا تعریف دیگری دارد. مساله این است که ما ژانر دیگری ابداع می‌کنیم که در دیگر جاهای دنیا وجود ندارد و من این را درک نمی‌کنم

درباره اینکه آیا اثر خود را یک «موسیقی-نمایش» می‌داند یا نه، گفت: راستش من اصلا نمی‌دانم موسیقی-نمایش یعنی چه؟ نمایش من نه موزیکال است نه موسیقی-نمایش؛ بلکه نمایشی است درباره یک آهنگساز که در جای جای آن آواز، موسیقی و کر وجود دارد. یکسری‌ها کاری روی صحنه می‌برند که کسی در آن آواز می‌خواند و یکسری کنارش ساز می‌زنند و اسمش را می‌گذارند «کنسرت-تئاتر»؛ من این را نمی‌فهمم. نمایشنامه من همین است و این قطعات در داخل نمایش هست. کارگردان نمایش «آمادئوس» تصریح کرد: فکر می‌کنم کسی که موسیقی-نمایش اجرا می‌کند می‌خواهد بفروشد و پول کلانی به دست بیاورد که اشکالی هم ندارد دنبال نفع اقتصادی است اما کار من چنین ویژگی‌ای ندارد و من دنبال نفع اقتصادی نیستم. من دنبال چنین کاری نیستم اما به کسانی که چنین کاری می‌کنند هم احترام می‌گذارم. اما کار من موسیقی نمایش نیست. مولانیا یادآور شد: اگر آنهایی که از عبارت موسیقی-نمایش استفاده می‌کنند منظورشان ابراست؛ باید بگویم اپرا تعریف دیگری دارد. مساله این است که دنیا وجود ندارد و من این را درک نمی‌کنم.مجید نوروزی، فرید فرهنگ، نسرین درخشان‌زاده، عارف عباسی، نسیم شجاعی، محمد صادقی، تیفن دلمس، مهرزاد فراهانی، دلوین ذبیحی، فاطره اصحابی، مهشاد بهرامی‌نژاد، نسترن خطیب‌پور، دریا دربیای، شیدا سفیدگری، مریم حسینی و رعنا مورعی بازیگران نمایش «آمادئوس» هستند که براساس متنی از پیتر شفر و به کارگردانی جواد مولانیا از ۱۵ فروردین در تالار حافظ روی صحنه رفته و بسه مدت یک ماه به اجرای خود ادامه خواهد داد.

« دولت باید کاملا مراقب کیفیت آثار سینمایی باشد

وی افزود: در رفتارشناسی سینمای ایران همواره شاهد یکسری موج در دهه‌های مختلف بوده‌ایم و برای مسال آینده به اعتقاد من باید برنامه‌ریزی به‌گونه‌ای باید که از همه گونه‌های سینما، فیلم در اکران داشته باشیم چرا که فیلم‌های کمدی همچنان با سرعت در حال تولید هستند و فیلم‌های ارزشی را هم سازمان‌ها و ارگان‌ها در دستور کار دارند اما این به تنهایی کفایت نمی‌کند و ما برای نگه داشتن جریان مخاطب و بازگشت مخاطبین از دست رفته باید حتماً اسال چند اثر شاخص و قابل تأمل داشته باشیم.

رئیسبان در خاتمه اظهار داشت: نکته پایانی این است که همه فیلمسازان و شکل‌های مختلف سینمایی باید خوشحال باشند از این جریان استقبالی که از سینما صورت گرفته و البته دولت هم باید کاملا مراقب کیفیت آثار سینمایی باشد.



یک تشکل می‌خواهد حساسی باز کنید باید اساسنامه، شماره ثبت، مجوز ارشاد و اسامی افرادی که از سوی هیئت مدیره معرفی می‌شوند به بانک معرفی شود تا بانک بپذیرد.ضمن اینکه ما هر سال به وزارت دارایی اسناد خود را ارائه می‌دهیم و اظهارنامه مالیاتی پر می‌کنیم یعنی اگر اینطور نباشد اصلا برای ادامه فعالیت به مشکل برمی‌خوریم.او افزود: از زمانی که من بودم تمام اسناد را به درستی حفظ کردم و بارها حسابرسی شده است. به همین دلیل نمی‌دانم برخی حرف‌هایی که گفته می‌شود بر چه اساس است ولی هیچ وقت نتواستم وارد شوم اما همیشه گفته‌ام اگر کسی در این خصوص شکایتی دارد و فکر می‌کند در امور مالی مسئله خاصی وجود دارد به مراجع مربوط شکایت کند و اگر اشکالی وجود داشت هر تصمیمی که لازم است گرفته می‌شود.

اساسنامه مجمع عمومی است و است تشکیلات متعلق به کسی نیست.راد در پاسخ به اینکه بیشتر انتقادات ناشی از این است که گفته می‌شود اصل مجوز خانه تئاتر به اسم یک نفر است و این ممکن است مشکلاتی را ایجاد کند، یا لحنی گله مند اظهار کرد: مگر مجوز به اسم من نیست؟ من همینجا می‌گویم که خانه تئاتر مال من نیست، هر وقت خواستید مجوز را می‌دهم تا هر کسی را که می‌خواهد مدیرمسئول کنید. اینها همه شایعه است مگر می‌شود چنین جایی برای من باشد؟ من در زمان تشکیل خانه تئاتر انتخاب شدم و خودم متقاضی نبوده‌ام که چنین جایی را داشته باشیم.او اضافه کرد که خانه تئاتر می‌تواند فعالیت صنفی داشته باشد و در کنار آن یکسری فعالیت فرهنگی و هنری برای انجام دهد.راد درباره مسائل مالی خانه تئاتر نیز گفت: وقتی برای

تئاتر است. اصلاً نمی‌دانم چرا تصور میشود موسسه بودن خانه تئاتر بد است در حالی که خانه سینما و خانه موسیقی هم موسسه هستند و فردیت در آنها جایی ندارد.وی ادامه داد: خانه تئاتر و موسسات دیگر زمان تاسیس باید یک نفر را به عنوان مدیرمسئول معرفی می‌کردند که در درباره تمام مسائلی که آنجا اتفاق می‌افتد پاسخگو باشد و این فرد صاحب آن موسسه نیست، یعنی در اولین فرصت صاحب امتیاز که در اینجا هیئت مدیره و خانه تئاتر است می‌تواند او را بر کنار کند ولی مجمع عمومی باز هم باید یک نفر دیگر را انتخاب کند چون نمی‌تواند بدون مدیر مسئول باشد و این درست مثل موقعیت مدیرعامل است که در واقع کارمند خانه تئاتر است.او با تاکید براینکه این تعاریف گاهی به اشتباه مطرح می‌شود ، گفت: بزرگترین جایگاه حقوقی این موسسات طبق

«آوی باران» رادر آی فیلم ببینید

کانات شبکه آی فیلم بخش مجموعه تلویزیونی «آوی باران» را از امشب از کانال فارسی آغاز می‌کند. به گزارش کانات و به نقل از روابط عمومی شبکه آی فیلم، مجموعه تلویزیونی «آوی باران» که در زمان بخش مورد توجه مخاطبان قرار گرفت، به کارگردانی حسین سهیلی‌زاده در سال نود و دو از شبکه سه سینمای جمهوری اسلامی ایران بخش شده است. داستان این

سریال زندگی یک تاجر دارو به نام طاهار زراحی را روایت می‌کند که با بروز اتفاقاتی ، سرنوشته عجیبی برای او و دخترش رقم می‌خورد. وقتی او پس از سال ها به ایران بازمی‌گردد و به دنبال دختر گمشده اش می‌گردد، متوجه می‌شود که نادر و زبور، خواهر زاده و همسر خواهرزاده اش، نتوانسته‌اند از دخترش نگه داری کنند و دخترش از خانه به دلیل اذیت‌های آنان فرار کرده است. زبور و نادر سعی می‌کنند دختر خودشان را به جای دختر طاهار جا بزنند؛ اما … . ازاده زارعی، ثریا قاسمی، حمیدرضا بگه، سام درخشانی، الهام چرخنده، مهراان احمدی، نیلوفر پارسا، سپیده خداوردی، امیر ذاکام، سیاموش خیرایی، مهراان رنجبر، مبینا سادات آتشی، و علی یعقوبی در این سریال ایفای نقش کرده‌اند. مجموعه تلویزیونی «آوی باران» هر شب ساعت ۱۰:۰۰ روی آنتن می‌رود و باز پخش آن در ساعت های ۵:۰۰ و ۱۳:۰۰ روز بعد خواهد بود.



پخش مستند «فراموشی غیر ممکن» در هیسپان تی وی

کانات مستند «فراموشی غیر ممکن» (The impossible forgetting) که به آنتن هیسپان تی وی رسیده است ، با باز سازی خاطرات قهرمان داستان ، دوران دیکتاتوری و خشونت در برزیل را برای مخاطبان نشان می‌ دهد . به گزارش کانات و به نقل از روابط عمومی شبکه هیسپان تی وی ، مستند «فراموشی غیر ممکن» (The impossible forgetting) با باز سازی خاطرات قهرمان داستان ، به بررسی وجوه مختلف سیاسی در زمان دیکتاتوری در برزیل می‌ پردازد . در مستند «فراموشی غیر ممکن» (The impossible forgetting) پسر یکی از ناپدید شدگان و قربانیان دوران خشونت‌نظامی در آمریکای لاتین شروع به باز سازی خاطرات خود با پدرش می‌ کند . پدر وی که از فعالان سیاسی و از قهر مانان عصر خود بوده است در سال ۱۹۷۸ در برزیل ناپدید می‌شود و فرزندش بیشتر عمر خود را در نبود پدر می‌ گذراند . مستند «فراموشی غیر ممکن» (The impossible forgetting) به بیان خاطرات کودکی خود پرداخته و تلاش می‌ کند تا حقایق گمشده را بازسازی کند . در این مستند با سیری تاریخی در گذشته و سفر به مکان های مختلف ، به بررسی وجوه سیاسی زمان دیکتاتوری در برزیل اشاره خواهد شد . مستند «فراموشی غیر ممکن» (The impossible forgetting) با تهیه کنندگی آندرس هاگبر (Andres Habegger) در چهار قسمت ۲۵ دقیقه‌ای از امروز دوشنبه ۲۷ فروردین ماه ساعت ۷:۳۰ به وقت تهران از آنتن هیسپان تی وی پخش و در ساعات ۱۴:۳۰ و ۲۰:۳۰ همان روز باز پخش خواهد شد.